



به دنبال امضای تفاهم‌نامه‌ای بین اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران و شاخص‌های اقتصادی آب به منظور افزایش بهره‌وری و بهبود مدیریت منابع آب در راستای دست‌نگاهای تخصصی مرتبط با آب، دبیرخانه دائمی اقتصاد آب تشکیل می‌شود.

هدف از تشکیل این دبیرخانه بهبود و افزایش رقابت‌پذیری، توسعه استفاده از سباب و سازچرخانی آب به عنوان جایگزین و بهبود نظام بهره‌وری و بهبود مدیریت منابع آب در راستای تخصیص و اصلاح الگوی مصرف در بخش‌های خروج از چالش‌ها و بحران منابع آب، رونق تولید مختلف مصرف آب است.

خبر

دبیرخانه دائمی اقتصاد آب تشکیل می‌شود

● چهارشنبه ۶ دیماه ۱۳۹۶ ● ۸ ربيع الثاني ۱۴۲۹ ● ۲۷ دسامبر ۲۰۱۷ ● شماره ۹۲ ● صفحه ۸



سیاست آبی کاملاً اشتباه است، من حاضرم در هر جایی از این گفته دفاع کنم. بسیاری مساله خودکفایی گندم را مطرح می‌کنند، چرا ما باید این همه منابع آبی خود را برای خود ا کاشت گندم هدر بدهیم؟ چون نگرانیم که مبادا روزی تحریم غذایی بشویم، دو نکته را باید در قبال این نگرانی عنوان کنم. اول اینکه طبق معاهدات بین‌المللی تحریم‌ها تاکنون شامل تحریم غذایی نبوده است و ما در بدترین سال‌های تحریم، گندم مورد نیازمان را از آلمان و آمریکا تهیه کرده‌ایم. تنوع صادرکنندگان بین‌المللی گندم نشان می‌دهد تحریم غلات علیه ایران، اگر عملاً غیرممکن نباشد برای به اجرا درآمن بسیار دشوار خواهد بود. از طرفی اگر بفرض محال ما تحریم شدیم یا نگرانی از بابت تامین گندم داشتیم، چنانچه به جای خودکفایی در غلات منابع آبی خود را برای روز مبادا حفظ کرده باشیم، با توجه به سسه برابر بودن اراضی قابل کشت در ایران نسبت به اراضی زیر کشت، در صورت ضرورت در یک سال می‌توان کل گندم مورد نیاز را در داخل تامین کرد. ما این تجربه را پیش از این هم داشته‌ایم. امام خمینی در سال دوم انقلاب اعلام کردند همه گندم بکارند. من آن سال تنها یکبار باغ سنتام را آب دادم و باقی آب را صرف کاشت گندم کردم، اما چرا در همه این سال‌ها باید کل منابع آبی را صرف کاشت گندم کنیم؟ ما الان می‌توانیم تولید این محصول آب‌و فاقد توجیه اقتصادی را متوقف کنیم، اما به جای آن منابع آبی‌مان را ذخیره کنیم. اما با ادامه رویه فعلی دیگر امکان چنین کاری نداریم، چون ما در همه این سال‌ها هرچه منابع آبی داشته‌ایم صرف کاشت گندم کرده‌ایم و به زودی آبی باقی نمی‌ماند که بخواییم در تولید محصولات کشاورزی خودکفا مانیم، داستان خودکفایی داستانی ساختگی است.

راهکار دومی که برای اصلاح کشاورزی وجود دارد چیست؟

راهکار دوم بسیار ساده است. قیمت حمل‌های انرژی و آب را آزاد کنید و بعد اجازه دهیم مکانیسم بازار عمل کند که تولید چه محصولی صرفه اقتصادی دارد. آن زمان هزینه تولید و صادرات مشخص می‌کند که آیا ما باید در این کشور فولاد تولید کنیم یا هندوانه؟ ما نمی‌توانیم مشخص کنیم که هزینه تمام‌شده فولاد یا هندوانه چقدر است و کدام صرفه اقتصادی بیشتری برای تولید دارد. البته من حدس می‌زنم صرفه تولید و صادرات هندوانه بیشتر است. ما روزانه هشت میلیون بشکه در روز گاز و نفت از زمین برداشت می‌کنیم. الان قیمت نفت حدود ۵۵ دلار است. یک محاسبه ساده نشان می‌دهد درآمد سیالانه ما از محل فروش انرژی ۱۶۰ میلیارد دلار است. با احتساب برداشت ۴۴ میلیارد مترمکعب آب با هزینه جایگزینی هر مترمکعب آب سه دلار، برداشت ما معادل ۱۳۲ میلیارد دلار خواهد بود. الان این صنایع هستند که بیشترین تغذیه را از این رانت حدود ۲۹۰ میلیارددلاری یارانه می‌کنند و بعد می‌گویند صنعت سوسوده است اما کشاورزی صرف ندارد!اصلاح کشاورزی در ایران راهی جز این دو مورد که گفتم ندارد. در نبود قیمت‌های واقعی هر فردی می‌تواند بگوید اقدام من خوب است، همان دوستانی که می‌گویند کشاورزی باید تعطیل شود نمی‌دانند چه کالای کشاورزی صرفه اقتصادی دارد. هیچ‌کدام نمی‌دانند کاشت زعفران یا گل محمدی چه ارزشی می‌تواند داشته باشد یا صدها کشت دیگر. چرا نگران آزادسازی قیمت‌ها هستیم، بگذاریم این اتفاق رخ دهد و بعد بازار تصمیم بگیرد که چه کالایی توجیه اقتصادی دارد. در شرایط بحرانی آب چرا فقط باید دغدغه ما تعطیلی کشاورزی باشدد شاید کشاورزی آب کمتری بخواهد و سود بیشتری عاید ما کند تا تولید فولاد و سیمان و فلان کالای صنعتی.



باشد. قیمت آب وابسته به حوزه آن است. اگر آب به قیمت رقابتی به فروش برود آن زمان مشخص می‌شود که تولید چه کالایی صرفه اقتصادی دارد و تولید کدام صرف نخواهد کرد. دولت باید از دخالت در قیمت آب و انرژی پرهیز کند. ما باید اجازه دهیم بازار آزاد و خود اقتصاد تصمیم بگیرد که این منابع محدود آب صرف تولید فولاد شود یا کاشت هندوانه. اما مشکل این است که در کشور ما قیمت‌ها واقعی نشده است. مطمئناً اگر در اطراف تهران باغ گیلاس احداث کنیم، درآمد آن از خیلی از صنایع کنونی ما بیشتر است.

با این اقدام آیا می‌توان به این سئوال هم جواب داد که تولید کدام کالای کشاورزی صرفه اقتصادی بیشتری نسبت به بقیه دارد؟

بله طبیعتاً. اما و این اما امای بزرگی است، حصول این دو شرط و کنار زدن مصلحان خیرخواه احتیاج به اراده پولادین در بالاترین سطوح مدیریتی کشور دارد. اما در نبود شرایط بازار روش دیگری می‌تواند مقایسه‌ای در بخش کشاورزی بین محصولات شکل دهد به عبارتی می‌توان ارزشی کالاهای کشاورزی مختلف را به ازای مصرف یک مترمکعب آب تخمین زد. اندیشکده تدبیر آب ایران مطالعه‌ای در این مورد روی هشت محصول انجام داده که نتایج تقریبی آن بدین شرح است: در مقابل مصرف یک مترمکعب آب ارزشی ۱۰۰ سنت، ۱۲۲ سنت، ۲۸ سنت، ۶۸ سنت، ۲۸ سنت، پسته ۹۳ سنت، زرشک ۱۰۴ سنت، هندوانه ۱۲۰ سنت، گل محمدی ۱۴۰ سنت و زعفران ۳۰۰ سنت بوده است. یعنی اگر قرار باشد به اندازه کل نیاز کشور گندم بکاریم (کل نیاز کشور ۱۵۵ میلیون تن) به حدود ۲۸ میلیارد مترمکعب آب نیاز است اما اگر ارز همین مقدار گندم را از محل صادرات هندوانه تامین کنیم ۲۰ میلیارد مترمکعب در مصرف آب صرفه‌جویی کرده‌ایم، شاید با همین یک تغییر بتوان کل مسائل آب کشور را حل کرد.

پس چرا بر مسئله تولید گندم تا این حد تاکید دارند؟ آیا مساله دغدغه تامین امنیت غذایی یا مقابله با تحریم احتمالی مواد غذایی است؟

مساله این است که این تصمیم‌سازی در کشور ما بدون هیچ مطالعه، بررسی و محاسبه انجام می‌شود. به عنوان مثال در اسفندماه گذشته رئیس شرکت آب منطقه‌ای کهگیلویه و بویراحمد اعلام کرد حکم قطع برق هندوانه‌کاران را اخذ کرده است درحالی‌که کشاورزان هندوانه‌کار ما بالاترین بهره‌وری را در بخش کشاورزی دارند و با مصرف یک مترمکعب آب چهار کیلو هندوانه در جنوب کرمان برداشت می‌شود اما گندم‌کاران ما با مصرف یک مترمکعب آب تنها ۶۰۰ گرم گندم برداشت دارند. و این امر مورد تایید آقای دکتر عباس کشاورز معاون محترم وزارت کشاورزی است.

یعنی شما معتقدید راه اصلاح مسیر کشاورزی در ایران از تغییر الگوی کشت و تمرکز بر کشت محصولات کمتر آب‌بر و بیشتر ارزش‌ور می‌گذرد؟
من دو نکته کار دارم. اول اینکه ما تولید محصولاتی را که نیاز به آب زیاد دارند و ارزشی کمی دارند متوقف کنیم. در این حالت تراز آبی کشور مثبت می‌شود. الان وزارت نیرو برداشت از ذخایر زیرزمینی کشور را ۴۴ میلیارد مترمکعب تخمین می‌زند. در حالی که میزان منابع آبی تجدیدپذیر ما تنها حدود ۲۰ میلیارد مترمکعب است. یعنی ما دو برابر بیشتر از میزان منابع آبی تجدیدپذیر آب برداشت کرده‌ایم، چنین

بررسی مسیر اصلاح کشاورزی در ایران در گفت‌وگو با مهدی آگاه

به نام بحران، به کام صنعت

مهدی آگاه می‌گوید: اگر بحران آب داریم – که داریم– چرا تنها خواستار توقف کشاورزی هستیم. آیا راهکار مقابله با بحران آب این است که فقط بگوییم کشاورزی را تعطیل کنیم. چرا به صنعت توجه نمی‌کنیم؟ چه کسی گفته کشاورزی صرفه ندارد اما صنعت دارد. تا زمانی که ما قیمت آب و انرژی را در کشور واقعی نکنیم، غیرممکن است بتوانیم متوجه شویم که چه کاری صرفه اقتصادی دارد و چه کاری ندارد.

مهدی آگاه فرد ناشناسی نیست. فرزند غلامرضا آگاه است و برادر منوچهر آگاه. نام خودش و پدرش با پیسته، ارزش‌ورترین محصول کشاورزی ایران گره خورده و نام برادرش با نوسازی اقتصاد ایران. غلامرضا آگاه اولین کسی بود که فرستجانی‌ها را به تولید و کاشت پیسته تشویق کرد. در جنگ جهانی دوم، مغز پیسته را به نام «جیره غذایی»، به ارتش‌های متفقین و آلمان شناساند و در سفر نیل آرمسترانگ به ایران پیسته ایران را به او هدیه داد. برای صادرات پیسته ایران به آمریکا تا مرز ورشکستگی پیش رفت و سرمایه‌ای عظیم هزینه کرد تا توانست درخت پند جنگلی را با پیسته اهلی پیوند بزند و پیسته تولیدی را به بازارهای دنیا صادر کند. برادرش منوچهر آگاه دکتری اقتصاد دانشگاه اقتصاد ایران دارد و سال ۱۳۳۸ که به ایران بازگشت ریاست اداره بررسی‌های اقتصادی بانک ملی و بانک مرکزی را بر عهده گرفت و تلاش کرد نهاد تولید آمار کلان اقتصادی را پایه‌گذاری کند. مهدی آگاه را در تهران ملاقات می‌کنیم: او ادامه‌دهنده راه پدر در صنعت پیسته است و مدت‌هاست در اندیشکده تدبیر آب ایران به بررسی اوضاع کشاورزی در شرایط بحرانی آبی می‌پردازد. گفت‌وگوی تجارت‌فردا با مهدی آگاه حدود دو ساعت طول می‌کشد. گفت‌وگویی متفاوت درباره اوضاع کشاورزی و نقد سیاست‌های در پیش گرفته‌شده برای توقف آن از یک سو و طرح خودکفایی غلات و دانه‌های روغنی از سوی برخی مسوولان دیگر. آنچه در ادامه می‌آید بخش‌هایی از این مصاحبه است که قابلیت انتشار دارد.

مساله بحران آب یک دغدغه جدی است. دغدغه‌ای که هم دامن تامین آب مورد نیاز در بخش شرب را گرفته و هم صنعت و هم کشاورزی را. در این میان اما مساله کشاورزی همواره با انتقاد بیشتری مواجه بوده. چراکه آمارهایی که منتشر می‌شود می‌گوید حدود ۹۲ درصد آب کشور در بخش کشاورزی مصرف می‌شود اما کشاورزی آب را به هدر می‌دهد و بهره‌وری لازم را ندارد. در آخرین اظهارنظر هم رئیس خانه کشاورز گفته کشاورزی با پول نفت دیگر جای کار ندارد و هزینه تولید برخی از محصولات کشاورزی در ایران بیش از دو برابر قیمت جهانی است.

بگذارید گفت‌وگو را با بررسی سخنان آقای کلاتری آغاز کنیم چون من با بخشی از این سخنان مخالف می‌خواهم چند نقد کلی به آن وارد کنم. ایشان مساله توقف تولید برخی از محصولات کشاورزی به دلیل کمبود آب را مطرح می‌کند و می‌گوید هزینه تولید برخی از محصولات کشاورزی در ایران بیش از دو برابر قیمت جهانی است. اما آیا این مساله محدود به محصولات کشاورزی است؟ اگر بخواییم از این منظر به بخش کشاورزی نگاه کنیم، باید بگویم که همه صنایع بزرگ ما در داخل کشور ورشکسته‌اند. این صنایع یا با عدم محاسبه هزینه واقعی استهلاک، یا در پناه دیوار بلند تعرفه‌های گمرک وارداتی یا در دریافت یارانه‌های پنهان انرژی و آب توانسته‌اند تاکنون سرپا بمانند. شرکت هواپیمایی ملی ایران از گروه اول است که نمی‌تواند ناوگان خود را از محل ذخیره‌های استهلاک بازسازی کند. شرکت ایران خودرو از گروه دوم است که حیات خود را عمدتاً مروهن تعرفه‌های سهمگین وارداتی است. صنایع فولاد، پتروشیمی و ذوب مس در حیات سوم قرار می‌گیرند که چنانچه قیمت‌های بین‌المللی انرژی حاکم می‌شد آمارهای حیاتشان غیرممکن بود.

تکنه دیگر اینکه آقای کلاتری می‌خواهد با تعطیل کردن کشاورزی، آب مصرفی این بخش را به‌ه صنعت بدهد؛ یعنی آب را از یک بخش که به گفته ایشان صرفه اقتصادی ندارد بگیریم و به بخش دیگری بدهیم که قطعاً ورشکسته‌اند؟ این شرکت‌های ورشکسته چگونه می‌توانند جانشین بخش کشاورزی ما بشوند؟ وضعیت ما در بخش صنعت به مراتب از بخش کشاورزی بدتر است. ظاهر بهترین صنعت در کشور فولاد است. در ایران، تولید فولاد است. این صنعت و کارخانه‌های تولیدکننده فولاد بزرگ‌ترین دریافت‌کنندگان پارانه انرژی در کشورند. یکی از بزرگ‌ترین کارخانه‌های این صنعت، در سال ۹۲ حدود یک میلیارد و ۳۲۰ میلیون دلار یارانه پنهان انرژی از دولت دریافت کرده است. منابع انرژی ایشخور برخی از صنایع خاص شده است. انرژی را با قیمت‌های واهی و بسیار بسیار اندک به بخش صنعت می‌دهند. می‌خواهید چنین صنایعی با این حجم از یارانه سودآور نباشند! اما در مقابل بخش کشاورزی ما انرژی بسیار اندکی مصرف می‌کند و در نتیجه یارانه انرژی که می‌گیرد بسیار کم است. مثلاً در کاشت

◀ محمود دانشورکاشکی

امروزه دو موضوع امنیت غذایی و توسعه پایدار از مرز تفکر اندیشمندان فراتر رفته و به‌منزله دو هدف کلیدی در دستور کار برنامه‌ریزان اقتصادی و سیاست‌گذاران قرار گرفته است.

سیاست‌های کشاورزی در جهت نیل به این اهداف با دو رویکرد متفاوت در گروه کشورهای توسعه‌یافته و عقب‌مانده اتخاذ و اجرا می‌شود به‌گونه‌ای که در کشورهای کمتر توسعه‌یافته، فقیر یا عقب‌مانده هدف اساسی نیل به امنیت غذایی یا چشم‌اندازی بر مدار توسعه پایدار بوده حال آنکه در گروه کشورهای توسعه‌یافته هدف تثبیت شرایط مطلوب و آتار مثبت حاصل از دستیابی به امنیت غذایی در برآیند مولفه‌های سه‌گانه توسعه پایدار است.

در کشور ما در طول چهار دهه گذشته سیاست‌ها و راهبردهای گوناگونی در چارچوب سند چشم‌انداز و برنامه‌های پنج‌ساله توسعه در جهت دستیابی به امنیت غذایی و توسعه پایدار به کار گرفته شده‌اند. هرچند نتایج حاصل این سیاست‌ها با تامل بیشتری باید بررسی شود.

اما دغدغه امروز بسیاری از تصمیم‌سازان اقتصادی این است که در شرایط گسترش آثار ناشی از تغییرات اقلیمی، بحران منابع آبی و حاکمیت کشاورزی سنتی آن هم با بهره‌وری پایین آ یا هنوز هم باید توسعه کشاورزی به‌عنوان یک راهبرد اساسی مورد توجه قرار گیرد یا خیر؟

در این راستا برخی مسوولان و مدیران ارشد کشور معتقدند توسعه کشاورزی با توجه به محدودیت‌های مذکور در کشور ما چندان جایگاهی ندارد و سیاست‌هایی از قبیل نیل به خودکفایی را ناکارآمد و منشأ بحران منابع آب و سایر مخاطرات زیست‌محیطی کشور می‌پندارند. این گروه اما هیچ‌گاه حاضر به ارزیابی آثار منفی سیاست‌های کشاورزی نامتناسبی نبوده‌اند که توسط خود آنان اتخاذ و اجرا شده و بخشی از نابسامانی‌های بخش کشاورزی و اقتصاد کلان را در پی داشته است. در بررسی سه موضوع اهمیت و جایگاه کلیدی بخش کشاورزی، بحران منابع آب و توسعه پایدار نباید غافل و احساسات بر منطق و ضرورت‌های اقتصادی غلبه کند. بلکه باید روابط متقابل و ساختارانه بین آنها مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند تا امکان تدوین یک راهبرد واقع‌گرایانه در زمینه توسعه کشاورزی میسر شود. در اقتصادهای در حال رشد و گذار، اهمیت و جایگاه بخش کشاورزی از دو بعد قابل بررسی است.

از یک سو روند تحولات ماهیتی و درونی‌بخش که در طول قرن‌ها از کشاورزی معیشتی به کشاورزی تجاری نوین تغییر ماهیت داده، به گونه‌ای که بدون کوچک‌ترین